

# ایران

## آثار هنری درباره محرم و اربعین باید کیفی تر شود

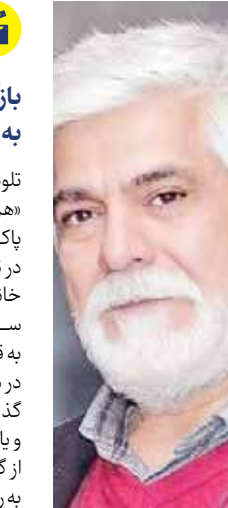
دیگر یک جایی، آدم می‌پرد و نیرویی از بیرون باید به او کمک کند؛ نیروی معنوی که او را به حرکت وامی دارد تا بتواند از عهده نقشبش به خوبی برآید. وقتی که در جمع صحابه امام هستی، دوست داری در این راه قدم برداری و به شهادت برسی. روحیه خاصی را به آدم می‌دهد و بازگیر را پیش می‌برد. این هل دادن از کجاست، چگونه است و از کجا وارد می‌شود، برای من خیلی جالب است. کارها در خصوص اربعین و ابعادالله‌الحسین باید کیفی تر ساخته‌شود، همانند مختارنامه که همچنان مشتاقان و مخاطبان خود را دارد. چقدر افسوس می‌خورم از بزرگانی که بودند و رفتند. برخی سریال‌ها را می‌بینم که جز دو نفرشان، مابقی فوت شده‌اند و این در حالی است که در حق خیلی از آنها کم لطفی هم شده است. می‌شد از آنها استفاده‌های خیلی خوبی در کار کرد.

گفت‌وگوی ایران‌نا با محمد فیلی بازیگر سریال «مختارنامه»

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
- سردبیر:** هادی خسروشاهین

- مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**
- رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل:** علی متقیان
- نقطن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • **روابط عمومی:** **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر کسرموز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارندۀ گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

### نقل قول



### بازگشت «حسین پاکدل» به تلویزیون بعد از ۳۳ سال دوری

تلویزیون در تدارک تولید فصل جدید برنامه «هزارداستان» با اجرای حسین پاکدل است. پاکدل که سال‌های اخیر حضور پررنگی در تلویزیون نداشته و در شبکه نمایش خانگی نیز کم‌کار بوده، حالا بعد از ۳۳ سال قرار است به عنوان مجری، بار دیگر به قاب تلویزیون بازگردد. بازگشت پاکدل در شرایطی رقم می‌خورد که او در ماه‌های گذشته، بویژه در دوران جنگ، با مواضع و یادداشت‌هایش در فضای مجازی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت و در عمل به رسانه‌ای فعال تبدیل شد. **فرهیختگان**



### سریال «محمدحسین مهدویان» به تلویزیون رسید

سریال «اهل ایران» که با موضوع جنگ اخیر ساخته شده است، پس از انتشار در دو پلتفرم شبکه نمایش خانگی از دیروز روی آنتن شبکه آی فیلم رفت. این سریال «اهل ایران» با طراحی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری و با سرپرستی نویسندگی مهدی یزدانی خرم و کارگردانی ۱۱ فیلمساز در ایام جنگ رمضان تولید شده است. **ا‌ینستا**

## نگاهی به جایگاه شورای عالی سینما در سیاست‌گذاری فرهنگی

# از اعتمادسازی تا تنظیم‌گری



### سینمای ایران

### رضاضامتی

دبیر گروه فرهنگی

رئیس سازمان سینمایی در مراسم معارفه و تکریم مدیران جدید این سازمان گفت: «شورای عالی سینما یک امر تصنعی و تزئینی نیست. ما چنان‌که باید از ظرفیت‌های شورای سینما بهره‌ن گرفتیم. بالاخره این شورای فرادستی است که به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور می‌تواند تمام فرآیندهای مرسوم اداری ما را سرعت بخشد. چون حکمی که در

آنجا استخراج و اعلام می‌شود قطعاً ضمانت اجرایی آن به اندازه حکمی است که هیأت دولت آن را ابلاغ می‌کند.» اظهارات رئیس سازمان سینمایی درباره جایگاه شورای عالی سینما، بیش از آن‌که صرفاً یک موضع‌گیری اداری باشد، بازتاب‌دهنده یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت فرهنگی در ایران است؛ چالش فاصله میان ساختارهای پیش‌بینی‌شده در قوانین و ظرفیت واقعی آنها است. در حل مسائل، تأکید راند فریدزاده براینکه «شورای عالی سینما یک امر تصنعی و تزئینی نیست»، در واقع پاسخی به این پرسش قدیمی است که چرا باوجودتشکیل شوراهای کارگروه‌ها و نهادهای متعدد، بخش قابل‌توجهی از مشکلات سینمای ایران همچنان پابرجاست.

### میراث خشن اما واقع‌گرایانه «تریدز» برای جهان امروز چیست؟

# زمستان هسته‌ای فراتر از تخیل

جنگ آماده می‌شود، مردم پناهگاه می‌سازند، بیمارستان‌ها بیماران را مریض می‌کنند و اعتراضات خیابانی گسترش می‌یابد. در نهایت، بحران از جنگ متعارف به تبادل هسته‌ای میان آمریکا و شوروی تبدیل می‌شود و بریتانیا هدف حملات گسترده هسته‌ای قرار می‌گیرد. بخش میانی فیلم پیامدهای فوری حمله را نشان می‌دهد. میلیون‌ها نفر کشته می‌شوند، بخش عمده‌ای از شهرها نابود می‌شود و نظم اجتماعی از هم می‌پاشد. دولت حکومت‌نظامی اعلام می‌کند، غذا جیره‌بندی می‌شود و حتی برای جلوگیری از غارت، اعدام‌های صحرایی صورت می‌گیرد. خانواده‌های شخصیت‌های اصلی تقریباً به‌طور کامل از بین می‌روند. جیمی نایدی می‌شود، والدینش بر اثر انفجار و تشعشعات جان می‌بازند و روث نیز پس از کشته شدن والدینش، به‌تنهایی در یک انبار متروکه دخترش، «جین» را به دنیا می‌آورد. اما آنچه «تریدز» را از فیلم‌هایی مانند «روز بعد» متمایز می‌کند، بخش پایانی آن است. فیلم ده سال به جلومی‌رود و جامعه‌ای را نشان می‌دهد که در عمل به سطحی شبیه قرون وسطی سقوط کرده است. جمعیت بریتانیا به چند میلیون نفر کاهش یافته، برق و سوخت تقریباً از میان رفته و مردم با ابزارهای ابتدایی کشیابی می‌کنند. کودکانی که پس از جنگ متولد شده‌اند، به دلیل سوءتغذیه، تشعشعات هسته‌ای و فروپاشی نظام آموزشی، دچار عقب‌ماندگی رشدی و زبانی هستند. روث نیز نابینا و سالخورده می‌شود و در نهایت می‌میرد، در حالی که دخترش (جین) حتی واکنش عاطفی محسوس به مرگ او نشان نمی‌دهد. سه سال بعد، شرایط حتی بدتر شده است. «جین» برای زنده ماندن دست به سرقت غذا می‌زند، قربانی تجاوز می‌شود و فرزندش را در بیمارستانی ابتدایی به دنیا می‌آورد. آخرین تصویر فیلم، نگاهی مبوه و سرشار از انزجار

### سینمای جهان

دنیل درزنر؛ استاد سیاست بین‌الملل

دانشگاه تافلس

مترجم: امیر فرشپای

سریال «تریدز» (Threads) ساخته‌میک جکسون نه‌تنها تاریک‌ترین و واقع‌گرایانه‌ترین فیلم درباره جنگ هسته‌ای است، بلکه امروز، بیش از چهار دهه پس از ساختش، دوباره به اثری مرتبط و هشداردهنده تبدیل شده است. ارزش اصلی فیلم صرفاً در نمایش وحشت جنگ هسته‌ای نیست، بلکه در دو نکته نهفته است: اول، شباهت نگران‌کننده سناریوی آغاز جنگ با وضعیت ژئوپلیتیکی امروز؛ دوم، نشان دادن پوچی برنامه‌ریزی دولت‌ها برای مدیریت پیامدهای یک جنگ هسته‌ای.

تریدز را باید در میان آثار سینمای آخرالزمانی جای داد. در حالی که فیلم‌هایی مانند «دکتر استرنج‌لاو» (Dr. Strangelove)، «وضعیت رفع خطر» (Fail Safe)، «روز بعد» (The Day After) هر کدام جایگاه مهمی در این ژانر دارند، «تریدز» از همه تلخ‌تر و بی‌رحم‌تر است. فیلم نه قهرمان دارد و نه روزنه امید؛ بلکه جهانی را به تصویر می‌کشد که در آن زنده‌ماندن خود به نوعی مجازات تبدیل می‌شود. همین ویژگی باعث شده بسیاری از علاقه‌مندان سینمای آخرالزمانی آن را بهترین فیلم درباره جنگ هسته‌ای بدانند.

داستان فیلم از زندگی عادی دو جوان انگلیسی، «روث» و «جیمی»، آغاز می‌شود؛ زوجی که در

آستانه تشکیل خانواده هستند. هم‌زمان، بحران

سیاسی در خاورمیانه به‌تدریج شدت می‌گیرد و

جهان به سمت فروپاشی ابرقدرت‌ها حرکت

می‌کند. دولت بریتانیا برای احتمال وقوع

یک نهاد هماهنگ‌کننده را ایفا کند. اهمیت چنین شورایی در این نیست که جایگزین سازمان سینمایی شود، بلکه می‌تواند مواعنی را که در تعامل میان وزارتخانه‌ها، سازمان برنامه، استانداری‌ها و سایر نهادهای ایجاد می‌شود، با سرعت بیشتری برطرف کند. به همین دلیل نیز رئیس سازمان سینمایی بر ضمانت‌اجرائی مصوبات این شورا تأکید کرده‌است؛ ضمانتی که در بسیاری از موارد می‌تواند فرآیندهای طولانی اداری را کوتاه‌تر کند.

با این حال، تجربه گذشته نشان می‌دهد که صرف تشکیل شوراهای به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست. در نظام اداری ایران نمونه‌های متعددی از شوراهای عالی وجود دارد که به دلیل نامنظم بودن جلسات، فقدان پیگیری مصوبات یا نبود نظام ارزیابی عملکرد، نتوانسته‌اند به اهداف اولیه خود دست یابند. بنابراین اگر قرار باشد شورای عالی سینما به نهادی اثرگذار تبدیل شود، اولین شرط آن استمرار جلسات، تعیین اولویت‌های روشن و انتشار گزارش‌های شفاف از میزان تحقق مصوبات است. بدون این مؤلفه‌ها، حتی قوی‌ترین ساختارهای قانونی نیز به مرور زمان کارکرد خود را از دست می‌دهند.

بخش دیگری از سخنان رئیس سازمان سینمایی به موضوع «اعتمادسازی» اختصاص داشت؛ موضوعی که شاید مهم‌ترین سرمایه هر سیاست فرهنگی باشد. صنعت سینما بر پایه تعامل میان دولت، هنرمندان، سرمایه‌گذاران و مخاطبان شکل می‌گیرد و هرگونه کاهش اعتماد میان این اضلاع، مستقیماً بر کیفیت تولید و میزان استقبال عمومی اثر می‌گذارد.

تأکید بر شفافیت در تصمیم‌گیری، اطلاع‌رسانی دقیق و پرهیز از رویه‌های سلیقه‌ای می‌تواند بخشی از این اعتماد را تقویت کند. البته نکته قابل توجه دیگر، تأکید بر جایگاه پژوهش

در سیاست‌گذاری سینمایی بود. سال‌هاست که یکی از انتقادهای کارشناسان، فاصله میان مطالعات علمی و تصمیمات اجرایی در حوزه فرهنگ است. اگر سیاست‌ها بدون اتکا به

داده‌های واقعی، تحلیل بازار، شناخت مخاطب و ارزیابی روندهای جهانی تدوین شوند، طبیعی است که بخش مهمی از آنها در عمل با چالش مواجه شود. پیوند دادن پژوهش با فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند از تصمیمات مقطعی و واکنشی جلوگیری کرده و مسیر توسعه بلندمدت سینما را روشن‌تر سازد.

در همین چارچوب، سخنان معاون جدید ارزشیابی و نظارت نیز قابل توجه‌است. او تلاش کرد تصویری متفاوت از مأموریت این معاونت ارائه دهد و تأکید کرد که وظیفه‌آن صرفاً ممیزی نیست، بلکه «تنظیم‌گری» برای ایجاد امنیت و آرامش در فرآیند تولید آثار است. در ادبیات حکمرانی، تنظیم‌گری به معنای ایجاد قواعدی شفاف، قابل پیش‌بینی و منصفانه است که هم از حقوق تولیدکننده حمایت کند و هم منافع عمومی را در نظر بگیرد. اگر این نگاه در عمل نیز اجرا شود، می‌تواند به کاهش تنش‌های موجود میان نهادهای نظارتی و فعالان سینما کمک کند.

با این همه، معیار اصلی موفقیت این رویکردها

نه در سخنرانی‌ها، بلکه در نتایج عملی آنها

منشخص خواهد شد. اگر شورای عالی سینما

بتواند گره‌های اجرایی را باز کند، اگر پژوهش

به مبنای سیاست‌گذاری تبدیل شود، اگر

اعتمادسازی از مرحله شعار به رفتار سازمانی

برسد و اگر تنظیم‌گری جایگزین رویکردهای

صرفاً کنترلی شود، می‌توان انتظار داشت که

مدیریت سینمای ایران وارد مرحله‌ای تازه شود.

در غیراین صورت، این سخنان نیز مانند بسیاری

از وده‌های گذشته، در حد یک اعلام موضع

باقی خواهد ماند.

امروز بیش از هر زمان دیگری، سینمای ایران

نیازمند حکمرانی منسجم، تصمیم‌گیری مبتنی

بر داده، هماهنگی میان دستگاه‌ها و گفت‌وگوی

مستمر با جامعه سینمایی است. شورای عالی

سینمای می‌تواند یکی از ابزارهای تحقق این هدف

باشد؛ مشروط بر آنکه از یک عنوان تشریفاتی

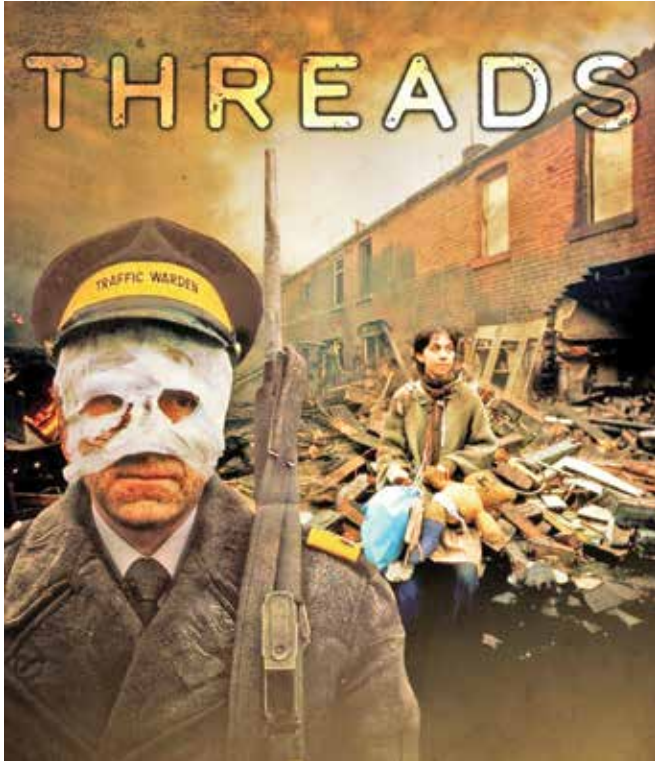
به نهادی فعال، پاسخگو و مساله‌محور تبدیل

شود. آزمون اصلی این شورا نیز نه در تعداد

جلسات برگزارشده، بلکه در میزان تأثیر آن

بر حل مسائل واقعی سینمای ایران سنجیده

خواهد شد.



هسته‌ای روبه‌رو می‌شوند، در عمل بی‌معنا می‌توان گفت که دولت‌ها معمولاً برای فُجایع بسیار بزرگ، اسنادی تهیه می‌کنند که «اسناد خیالی» نام دارند؛ برنامه‌هایی که بر فرضیات غیرواقعی بنا شده‌اند و در عمل نمی‌توانند با واقعیت یک فاجعه عظیم سازگار شوند. فیلم این موضوع را از طریق داستان کمبته مدیریت بحران شهر شفیلد نشان می‌دهد. مسئولان دولتی با دقت فراوان وارد پناهگاه می‌شوند، ذخایر غذایی تهیه و دستورالعمل‌های اداری را دنبال می‌کنند، اما پس از وقوع حمله درمی‌یابند که تقریباً هیچ کاری از دست‌شان برنمی‌آید. آنها در نهایت زیرآوار پناهگاه جان می‌دهند، بی‌آن‌که بتوانند کمکی به جامعه بکنند. این بخش فیلم به خوبی نشان می‌دهد که وقتی برنامه‌ریزی‌های کاغذی با واقعیت بی‌رحم جنگ

### «تریدز» نباید صرفاً اثری متعلق

به دوران

جنگ سرد

تلقی شود.

در شرایطی

که رهبران

جهان دوباره

از تهدیدهای

هسته‌ای

سخن

می‌گویند، این

فیلم یادآوری

می‌کند

که هیچ

برنامه‌ریزی

سیاسی

یا نظامی

نمی‌تواند

پیامدهای

واقعی

یک جنگ

هسته‌ای را

کنترل کند



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

امام علی (ع)؛

شرافت ادب، ارجمندتر از شرافت نَسَب است.

سخن‌روز

غزل الحکم، ج ۳، ص ۴۰، ح ۴۸۹۳

### «سهراب پورناظری» عضو آکادمی گرمی شد

سهراب پورناظری آهنگساز و نوازنده موسیقی ایرانی عضو معتبرترین آکادمی موسیقی در جهان شد. «آکادمی گرمی» متولی اعطای معتبرترین جایزه جهانی در عرصه موسیقی است. این آکادمی سالانه بهترین‌های موسیقی جهان را در شاخه‌های مختلف معرفی می‌کند. سهراب پورناظری، آهنگساز و نوازنده موسیقی ایران، به عضویت «آکادمی گرمی» (Recording Academy) درآمد؛ نهادی که برگزاکتنده و متولی جوایز سالانه GRAMMY Awards است. **ا‌یرنا**



### یادداشت

رویا فتح‌اله‌زاده

جامعه‌شناس فرهنگی

### صنعت فرهنگ در عصر هوش مصنوعی



در میان هیاهو و تب داغ فراگیر شدن هوش مصنوعی در همه ابعاد زندگی بشری، می‌توان از منظری دیگر به این پدیده جدید نگاه کرد. هوش مصنوعی بسیاری از ابعاد زندگی انسانی و سبک زندگی جوامع را تحت‌تأثیر قرار داده است. همه ما تا حدودی با انواع هوش مصنوعی آشنا هستیم و آن را به کار گرفته‌ایم. در اینجا می‌خواهم روی هوش مصنوعی مولد و قابلیت پرامیت (دستور به هوش مصنوعی) و تأثیر آن بر سازوکار خلاقیت انسانی و فرآیند خلق اثر هنری بنویسم و درباره چارچوب نظریه‌های مربوط به این موضوع توضیحی اجمالی بدهم.

#### بنیامین و اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی

والتر بنیامین در مقاله مشهورش با عنوان «اثر هنری در عصر بازتولید مکانیکی» (۱۹۳۶) بر این باور بود که پیش از اختراع صنعت چاپ، عکاسی و سینما، هنر اثر هنری یک نسخه یگانه داشت. تابلوی مونالیزا و مجسمه داوود، یگانه و منحصره‌فرد بودند؛ این یگانگی باعث می‌شد اثر هنری ویژگی‌ای داشته باشد که بنیامین آن را هاله (Aura) می‌نامید. هاله یعنی چیزی که دارای اصالت، یکتایی و شکوه است. اما عصر بازتولید مکانیکی امکان تولید انبوه کپی‌های متعدد از یک اثر را فراهم و در نتیجه اثر هنری را از بافت اصلی خود جدا کرده و منحصره‌فرد بودن آن را کاهش می‌دهد. با این حال از نظراو، جنبه مثبت این تحول، دموکراتیک‌تر شدن هنر است.

#### آدورنو و هورکهایمر و نظریه صنعت فرهنگ

آدورنو و هورکهایمر نیز در نظریه «صنعت فرهنگ» (Culture Industry)، هنر امروز را کالایی سرگرم‌کننده و سودآور دانستند و براین باور بودند که هنر کلاسیک ویژگی‌های منحصره‌فردی داشت ولی امروز صنعت فرهنگ، هنر را در سطح کالایی سرگرم‌کننده تنزل داده است. آنها به مقایسه موسیقی کلاسیک و پاپ پرداختند. به نظر آدورنو، موسیقی کلاسیک، پیچیده‌است، نیاز به تمرکز و تفکر و نیز ساختار غیرقابل پیش‌بینی دارد و خلاق است. او در مطالعه‌ای که درباره موسیقی پاپ داشت، به این نتیجه رسید که موسیقی پاپ، تکراری، فرمولی، قابل پیش‌بینی، استانداردشده (به لحاظ تشابه در ساختار، آکورد و ریتم) است.

#### عصر هوش مصنوعی، پرامیت و خلق اثر هنری

مطابق با نظریه بنیامین، در عصر بازتولید مکانیکی، اثر هنری، هاله و یگانگی خود را از دست داده است و به استاندارد نظریه آدورنو و هورکهایمر، صنعت فرهنگ با استانداردسازی و تولید انبوه، مخاطب را با آثار بی‌مواجه می‌کند که ظاهراً متنوع هستند اما در عمق، از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند. اکنون هوش مصنوعی مولد، در بهترین حالت، ابزار خلق است اما در استفاده رایج، می‌تواند به ابزار بازتولید سریع الگوهای موجود و استاندارد تبدیل شود. کاربرد، یک پرامیت مشابه را وارد می‌کند و هزاران نفر می‌توانند به تصاویری با زیبایی‌شناسی مشابه، متن‌هایی با ساختاری همگون و ایده‌هایی با مبنایی مشابه دسترسی داشته باشند. بنابراین، فقط آثار بازتولید نمی‌شود؛ بلکه فرآیند اندیشیدن و خلق کردن نیز در معرض استانداردسازی قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی می‌تواند خلاقیت را تقویت کند و ارتقا بخشد اما در عین حال برای تعداد زیادی از کاربران که فقط مصرف‌کننده پرامیت‌ها هستند، می‌تواند خطر زوال خلاقیت آنها را به همراه داشته باشد. اگر میلیون‌ها انسان در سراسر جهان از پرامیت‌های مشابه و یکسان برای خلق آثار و تولید محتوا استفاده کنند، آیا به‌تدریج با جهانی از آثار به ظاهر متنوع ولی در لایه‌های عمیق‌تر، مشابه مواجه نخواهیم شد؟ آیا در این میان انسان نیز به‌تدریج به بازتولیدکننده الگوهایی که ماشین به او پیشنهاد می‌کند تبدیل نخواهد شد؟ یک پرامیت واحد واقعاً حاصل هزاران نگاه متفاوت نیست و می‌توان گفت در چنین آثاری، نوعی هم‌شکلی و استاندارد یکسان قابل شناسایی است.

انواع کارگاه‌ها و آموزش‌های پرامیت‌نویسی که هر روز تبلیغ می‌شوند، در واقعیت بازتولیدکننده الگوها و استانداردهای یکسان داستان‌گویی و روایت هستند. همان روایت‌هایی که می‌توانند به تعداد میلیون‌ها انسان نوشته شوند، در قالب‌های استاندارد صورت پرامیت‌های تدوین شده به بازار عرضه می‌شوند. به باورم گسترش این فرآیند، به‌تدریج خلق اثر و خلاقیت انسانی را دستخوش مخاطرات و زوال خواهد کرد.